

Epistemological Factors Influencing the Perception of Social Justice

Ahmad olyaei

Assistant Professor, Islamic Science and Culture Research Institute, Qom, Iran.
ahmad.olyaei@gmail.com

Abstract

The present study aims to examine the epistemological factors influencing the perception of justice. The research method is descriptive-analytical, and the results showed that the factors affecting the perception of justice are divided into two main groups: epistemological factors and non-epistemological factors. In the discussion of epistemological backgrounds, the most crucial part of the formation of the perception of justice is a person's definition and understanding of justice and its potential criteria. Another epistemological factor influencing the perception of justice is ideology, encompassing all value-based and belief systems, including governance, which play a role in individuals' decisions, reflections, and thoughts. Another epistemological factor is the individuals' perspective on the agent or the expander of justice. If the perceiver considers the government or authority as the sole expander, their perception of justice is naturally dependent on their performance. However, if they consider the role of the people in expanding justice significant, their perception of justice is shaped by the role of the people. The epistemological belief in retribution and a just world, as another epistemological background, causes the perceiver to analyze the state of justice and inequality solely in terms of the feedback of individual actions.

Keywords: Social Justice, Perception of Justice, Epistemological Factors, Ideology, Social Order.

Received: 2023-03-25 ; Revised: 2023-05-02 ; Accepted: 2023-05-28 ; Published online: 2023-09-23

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



عوامل معرفتی موثر بر ادراک عدالت اجتماعی

احمد اولیایی

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. ahmad.olyaei@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل معرفتی موثر بر ادراک عدالت بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، عوامل مؤثر بر ادراک عدالت به دو گروه اصلی عوامل و زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی تقسیم می‌شود. در بحث زمینه‌های معرفتی، مهم‌ترین بخش از زمینه شکل‌گیری ادراک عدالت، تعریف و فهم شخص از تعریف و چستی عدالت و احتمالاً معیارهای آن است. یکی دیگر از عوامل معرفتی که در ادراک عدالت مؤثر است، ایدئولوژی است؛ همه مسائل ارزشی و اعتقادی و حتی حاکمیتی که در همه تصمیم‌گیری‌ها و تأملات و اندیشه‌های افراد نقش ایفا می‌کند. عامل معرفتی دیگر، نگاه افراد به معطی، یا مبسط و عامل عدالت است. ادراک‌کننده در این نگاه، اگر عامل بسط را فقط دولت یا حاکمیت بداند، طبیعتاً ادراک او متوقف بر عملکرد آن‌ها است، اما اگر نقش مردم در بسط عدالت را مهم بداند، ادراک عدالت را از مسیر نقش مردم شکل می‌دهد. اعتقاد معرفتی به مکافات عمل و دنیای عادل، به عنوان زمینه معرفتی دیگر، سبب می‌شود ادراک‌کننده وضعیت عدالت، نابرابری را فقط در تفسیر بازخورد اعمال فردی تحلیل کند.

واژه‌های کلیدی: عدالت اجتماعی، ادراک عدالت، عوامل معرفتی، ایدئولوژی، نظم اجتماعی.

استناد به این مقاله: اولیایی، احمد (۱۴۰۲). عوامل معرفتی موثر بر ادراک عدالت اجتماعی. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۷(۲)، ص ۲۳-۴۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

عدالت اجتماعی یکی از فضایل مهم اجتماعی و شاید اهم آن‌هاست که از ابتدای تاریخ همه به دنبال آن بوده‌اند. از نظریه‌پردازان و اندیشمندان تا حاکمان و مجریان، هرکس به سهم خود در این زمینه گام برداشته است. عدالت اجتماعی بن‌مایه اساسی حفظ و استمرار حیات اجتماعی جامعه انسانی است و بدون آن، اساساً جامعه با چالش‌های مهمی روبه‌رو خواهد شد. عدالت یکی از ارزش‌های بزرگ انسانی و فضایل بشری است که برقراری آن، نه فقط هدف دین اسلام، بلکه طبق آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)، هدف همه ادیان الهی بوده است. نیاز بشر به عدالت نیز سبب شده است از زمان‌های دور تاکنون، علما و اندیشمندان در این مسئله غور کنند. عدالت بیشتر در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی ارزیابی می‌شود، اما با حوزه‌های گوناگون دیگر نیز در ارتباط است و ترکیب‌هایی مانند عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و عدالت قضایی را تولید کرده است.

در همه ساحات نظام اجتماعی، نظریه‌های گوناگونی در باب عدالت وجود دارد و تلاش‌هایی برای کاربردی‌سازی آن‌ها نیز انجام می‌شود، اما درنهایت و فارغ از عدالت واقعی که در آن ساحت وجود دارد یا خیر، ادراک عدالت حائز اهمیت است. ادراک عدالت با عدالت واقعی و آنچه در توزیع عادلانه و مانند این‌ها وجود دارد متفاوت است. ادراک عدالت اشاره به درک مردم از وضعیت عدالت اجتماعی دارد؛ گاهی این درک با واقع مطابقت دارد و گاهی نیز ندارد. توجه به درک مردم در موضوع عدالت اجتماعی از آن حیث اهمیت دارد که می‌تواند اصل عدالت اجتماعی در جامعه را تحت الشعاع قرار دهد. از طرف دیگر، درک مفهوم عدالت نیز می‌تواند ادراک عدالت اجتماعی را متفاوت کند. پس، طبیعتاً با پدیده‌ای ذوابعد روبه‌رو هستیم که اتفاقاً با ادراک و فرایند شناخت انسان نیز رابطه عمیق دارد. این نگاه شناختی به موضوع ادراک عدالت اجتماعی، نگاهی تازه است که فرایند رسیدن به درک انسان امروز از عدالت اجتماعی را بررسی می‌کند.

۲. بیان مسئله

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از فضیلت‌های مهم اجتماعی، هم از اهداف انبیاء^۱ و هم از نیازهای اصلی جامعه و هم از انتظارات اولیه مردم از حکومت اسلامی است.^۲ در جامعه ایران از بدو تولد انقلاب اسلامی تاکنون، برای استقرار عدالت اجتماعی فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته است، اما همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، انتظار بیش از این است و باید در عدالت کار بیشتری صورت گیرد. عدالت

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

۲. «این نظام اسلامی به وجود آمده است. اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل واجب‌ترین کارهاست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).



اجتماعی از موضوعاتی است که دشمن از آن سوءاستفاده می‌کند و اساساً در جنگ ادراکی دشمن کاربرد زیادی دارد. دشمن برای آنکه ناکارآمدی نظام سیاسی را نشان دهد، روی فساد، ظلم و بی‌عدالتی در جامعه مانور می‌دهد. بنابراین، مشاهده می‌شود که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود بر پژوهش پیرامون عدالت و عملی نمودن آن، جهت جلوگیری از توطئه‌های دشمن، تاکید دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

عدالت در سه حوزه و علم گوناگون قابل بررسی است: اگر از عدالت خداوند صحبت شود، مقوله عدل الهی مطرح است که در علم کلام بحث می‌شود؛ اگر عدالت انسان بحث گردد، عدالت فردی ملاک است که در علم اخلاق و فقه باید به دنبال پاسخ سؤالات آن بود؛ اما اگر عدالت به وصف ساختار اجتماعی در نظر گرفته شود، آغاز بحث از عدالت اجتماعی است. ریزموضوعات عدالت اجتماعی متعدد است و از نظریه‌ها، معیارها تا شاخص‌ها را دربرمی‌گیرد. اما «ادراک عدالت» یکی دیگر از موضوعات مهم عدالت پژوهی است که تحقیق حاضر بر آن استوار است. ادراک عدالت به دریافت مردم از عدالت اجتماعی در جامعه اشاره دارد. این دریافت می‌تواند مطابق یا غیرمطابق با واقعیت باشد. ممکن است در جامعه‌ای عدالت برقرار باشد، اما مردم احساس بی‌عدالتی کنند و برعکس. از آن جهت که در بحث ادراک عدالت، دریافت مردم که مبتنی بر فرایند ادراک آن‌هاست، مدنظر قرار می‌گیرد و از جهتی احساس بی‌عدالتی یکی از مکان‌های حمله دشمن است، در نتیجه ضروری به نظر می‌رسد که درباره آن پژوهش شود.

ادراک عدالت همان‌گونه که از نام آن مشخص است، فرایندی ادراکی است و با ادراک سروکار دارد. عموم فرایندهای ادراکی درگیر عوامل ادراکی می‌شوند؛ یعنی فارغ از مباحث عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و... از این رو، ادراک عدالت می‌تواند حاصل عملیاتی روانی یا جنگی ادراکی باشد. این موضوع بحثی جامعه‌شناسانه و فرهنگی نیز است؛ از آن جهت که هم ادراک مردم به مثابه جامعه ملاک است، هم جامعه را می‌تواند دچار پیامدهای خطرناکی کند. مدیریت جامعه‌ای که عموم مردم آن ادراکی از عدالت نداشته باشند یا احساس بی‌عدالتی کنند، بسیار دشوار خواهد بود و اساساً در چنین جامعه‌ای، مردم حاضر به مشارکت‌های اجتماعی برای پیشبرد اهداف نظام نیستند. پس، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت ادراک عدالت اجتماعی و راهکارهای آن، هم از منظر دین هم از منظر ادراکی، می‌تواند موضوعی جدید و مورد نیاز باشد.

۳. پیشینه تحقیق

عدالت از آن جهت که یکی از فضیلت‌های مهم انسانی و مورد نیاز جوامع بشری بوده است، از سال‌های دور، از فلسفه یونان باستان گرفته تا اندیشمندان جهان اسلام و نظریه‌پردازان معاصر، همه درباره

عدالت گفته و نوشته‌اند. ابعاد گوناگون عدالت مانند عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت قضایی، شاخص‌های عدالت و معیارهای عدالت، از موضوعاتی بوده است که پژوهشگران حوزه عدالت بدان پرداخته‌اند. ادراک عدالت نیز موضوع تحقیقات بسیاری بوده است که به بعضی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود.

وحید قاسمی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان»، به بررسی دو پرسش پرداخته‌اند: اول اینکه روی مقیاس احساس بی‌عدالتی، موقعیت معلمان شهر زنجان در کجا قرار دارد؟ دوم آنکه، از بین متغیرهای احساس تعلق، احساس محرومیت، عدالت درون‌سازمانی، منزلت شغلی، منطقه محل سکونت و سطح تحصیلات، کدام متغیر با احساس بی‌عدالتی رابطه معنادار داشته و شدت رابطه کدام متغیر بیشتر است؟ این تحقیق به صورت خاص، درباره نقش چند مؤلفه مانند احساس محرومیت روی قشری خاص بررسی میدانی انجام داده، اما ناظر به عوامل موثر بر ادراک، سخنی نگفته است.

آذربایجانی و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۶)، نیز در تحقیقی با عنوان «درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی»، به تبیین مفهوم ادراک عدالت قضایی پرداختند. ادراک عدالت قضایی در این تحقیق به معنای هیجان بوده و ادراک عدالت قضایی ناظر به عملکرد دستگاه قضا است. این پژوهش درباره ادراک کلی عدالت اجتماعی صحبتی نمی‌کند.

تقی‌زاده و سلطانی (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش احساس عدالت سازمانی در گرایش افراد به فساد در سازمان»، به بررسی عدالت سازمانی و موضوع فساد در سازمان پرداخته و نشان دادند که اگر کارمندان در سازمان احساس بی‌عدالتی کنند، به سمت فساد در سازمان کشیده می‌شوند.

پورعزت و سلیمی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر رابطه ادراک بی‌عدالتی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری»، درصدد اثبات این موضوع هستند که احساس بی‌عدالتی در سازمان، کارمندان را به سمت ارتکاب به فساد در سازمان متمایل می‌کند.

میرسندسی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل درک مردم از عدالت در مشهد»، با روش میدانی، تعریف مردم شهر مشهد را در مورد عدالت بررسی کرده است. هرچند در این تحقیق به درک مردم از عدالت اشاره می‌شود، اما به طور جامع در باب عوامل موثر بر ادراک صحبتی به میان نیامده است.

رضاپور (۱۳۷۵) نیز در تحقیقی با عنوان «درک عدالت در میان جوانان»، به بررسی میدانی دیدگاه جوانان درباره عدالت پرداخته است. در این تحقیق بیشتر بر روی امید به عنوان یکی از عوامل درک عدالت تأکید شده است که نسبت به بحث پژوهش حاضر جامعیت ندارد.

تد رابرت گر (۱۳۷۷)، در پژوهشی با عنوان «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟»، اساساً به موضوع درک عدالت اشاره ندارد، بلکه به دنبال دلایل افزایش خشونت در جامعه است. در این پژوهش به احساس محرومیت اشاره شده که در احساس بی‌عدالتی نقش دارد.

یعقوبی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «درک ایرانیان از عدالت»، پژوهشی میدانی و پرسش‌نامه‌ای برای پاسخ به برداشت‌های مردم از عدالت ارائه کرده، و به عوامل موثر بر تشکیل ادراک ورود نمی‌کند. مزیت نسبی تحقیق حاضر اتخاذ دو رویکرد دینی و ادراکی است؛ یعنی تحقیق جهت تجمیع عوامل و چگونگی تأثیر آن‌ها و نهایتاً راهکارها، چارچوب نظری خود را بر مبانی دینی و ادراکی مبتنی می‌کند؛ که این رویکرد در تحقیقات مورد اشاره، مشاهده است.

۴. مفاهیم پژوهش

۴-۱. عدالت

شهید مطهری در کتاب «عدل الهی»، چهار معنا از عدالت را تبیین می‌کند:

- الف) موزون بودن:** موزون بودن به معنای رعایت تناسب است؛ توازن میان اجزای یک نظام و مجموعه. بحث عدل به معنای تناسب در مقابل بی‌تناسبی، از نظر کل و مجموع نظام عالم است؛
- ب) تساوی و رفع تبعیض:** عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی. اگر مقصود این باشد که عدالت ایجاب می‌کند هیچ‌گونه استحقاقی رعایت نشود و به همه چیز و همه کس به یک چشم نظر شود، این عدالت عین ظلم است؛
- ج) رعایت حقوق افراد و عطاء کردن حق به هر ذی‌حق؛** و ظلم عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز به حقوق دیگران و تصرف در آن؛
- د) رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد؛** این معنا از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۵۸).

۴-۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی این است که باید با هریک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که استحقاق آن را دارد. همچنین باید در جایگاهی قرار گیرد که شایسته آن است. در نتیجه، هم تک‌تک افراد مأمور به اجرای عدالت هستند، هم کل جامعه وظیفه اقامه عدالت را بر دوش دارد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۳۰-۳۳۲).

۴-۳. ادراک

ادراک فرایندی است که به وسیله آن، افراد پنداشت‌ها و برداشت‌هایی را که از محیط خود دارند تنظیم و تفسیر می‌کنند و بدین وسیله به آن معنا می‌دهند (باقری‌فر، ۱۳۹۴، ص ۲).

۴-۴. ادراک عدالت اجتماعی

ادراک عدالت اجتماعی به برداشت جامعه از وضعیت عدالت اشاره دارد. به عبارتی، آنچه که در ذهن

افراد درباره وضعیت عدالت یا ظلم در جامعه نقش می‌بندد، ادراک عدالت اجتماعی نامیده می‌شود.

۵. رابطه عدالت و ادراک آن

پرسش اساسی که باید بدان پاسخ داد این است که، رابطه عدالت و ادراک آن چیست؟ و چرا باید این دو از هم جدا شوند؟ یا چرا باید در کنار یکدیگر بررسی شوند؟ ادراک عدالت اشاره به آن برداشتی دارد که مردم جامعه از عدالت دارند. این برداشت، از تعریف عدالت تا وضعیت عدالت را در بر می‌گیرد؛ یعنی مردم عدالت را چه چیزی می‌دانند و آیا در جامعه ایشان، عدالت برپاست یا نه. اما خود عدالت اشاره به وضعیتی دارد که در جامعه فی الواقع وجود دارد، فارغ از اینکه ممکن است مردم چه برداشتی از آن داشته باشند. شاید در جامعه‌ای عدالت وجود داشته باشد و مناسبات جامعه متصف به صفت عادلانه باشد، اما مردم به دلایل گوناگون احساس بی‌عدالتی کنند. به نظر می‌رسد میان این دو، ماهیتاً تفاوت وجود دارد و پرداخت جداگانه به هر یک، ضروری است. البته بعضی مانند راسل،^۱ عدالت را چیزی می‌دانند که بیشتر مردم آن را عادلانه بخوانند. به عبارتی، از دیدگاه وی، ادراک عدالت، عدالت را تصویر می‌کند و می‌سازد. او اساساً تصدیق مردم را بن‌مایه عدالت می‌داند؛ یعنی مردم باید تصدیق کنند چه چیزی عادلانه یا ظالمانه است (راسل، ۱۴۰۱، ص ۴۳).

پاسخ راسل را باید در بحث «اختلاف‌نظر واقع‌گرایان^۲ و غیرواقع‌گرایان درباره گزاره‌های ارزشی و اخلاقی» (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۶۰) داد. واقع‌گرایان معتقدند گزاره‌های اخلاقی به حقایق اخلاقی در عالم بازمی‌گردند؛ یعنی فارغ از اینکه به آن‌ها چه احساسی و از آن‌ها چه برداشتی داریم، آن‌ها به حقایق واقعی و ثابت متصل هستند (مک‌ناوتن، ۱۳۸۰، ص ۷۵-۷۶)؛ بدین معنا که می‌توان صادق یا کاذب بودن گزاره‌های اخلاقی را مستقلاً از کنش کنشگر تحصیل کرد (Smith, 2000, p.15). در مقابل واقع‌گرایی، رویکرد غیرواقع‌گرایی که تمایلات و ترجیحات فردی را معیار قرار می‌دهد و به نسبی‌گرایی منجر می‌شود، قرار دارد؛ زیرا مبنا و منشأ عینی و حقیقی ثابت را برای گزاره‌های اخلاقی رد می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۴۸-۵۰). به‌هرحال، واضح است که ادعا و پیشنهاد راسل به نوعی نسبی‌گرایی در تعریف عدالت منجر می‌شود، که قطعاً باید از آن برحذر بود. البته او در جای دیگر، به نحو تعارض‌گونه‌ای این تعریف از اخلاق را که منحصر در پسندیده یا ناپسند بودن نزد مردم است، رد می‌کند (همان، ص ۵۴).

ادراک عدالت مبحثی است که در عدالت رویه‌ای از آن بحث می‌شود. عدالت رویه‌ای ذیل بحث عدالت سازمانی^۳ مطالعه می‌شود. عدالت رویه‌ای^۴ همان میزان و اندازه‌ای از قوانین و رویه‌هایی است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها آن را تعیین و مشخص کرده‌اند، و به طور یکسان از آن‌ها پیروی

1. Bertrand Russell
2. Realists
3. Organizational Justice
4. Procedural justice

می‌شود (Schermerhorn & et al., 2000, p.13). به عبارت دیگر، عدالت رویه‌ای آثار مثبت یا منفی تصمیم‌های مدیران سازمان بر کارکنان را از نظر میزان انصاف در اجرای این تصمیمات مطالعه می‌کند (Knights & Wilmot, 2007, p.542). عدالت رویه‌ای به ادراک عدالت کارکنان سازمان از رویه‌های موجود در سازمان می‌پردازد.

ادراک فرایندی است که به وسیله آن، افراد پنداشت‌ها و برداشت‌هایی را که از محیط خود دارند، تنظیم و تفسیر می‌کنند و بدین وسیله به آن معنا می‌دهند (باقری‌فر، ۱۳۹۴، ص ۲). در فرهنگ، این بحث بیش از عرصه‌های دیگر مانند اقتصاد تبلور می‌یابد؛ زیرا فرهنگ، با یک ادراک اجتماعی^۱ مواجه است. ادراک فقط یک پدیده روان‌شناسی و فیزیولوژیکی نیست؛ ادراک پدیده اجتماعی نیز است. عوامل متعددی چون نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها، قالب‌های فکری و ارزش‌های اجتماعی بر شکل‌گیری ادراک اجتماعی تأثیر دارند. افراد یک جامعه، شیء یا شخص اجتماعی را در ارتباط با خود با توجه به اطلاعاتی که به دست آورده‌اند یا تجربیات گذشته یا ارزش‌های گروهی را ادراک می‌کنند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳).

کنش‌های دولت و سیاست‌گذاران ممکن است در هر عرصه‌ای متناسب با معیارهای عدالت باشد و عدالت واقعی را به ارمغان آورده باشد؛ اما از آن جهت که فاصله میان واقعیت و درک تحت‌الشعاع عوامل متعدد مانند نگرش‌ها، اطلاعات نادرست و رؤیت ناداوری‌ها و نابرابری‌ها است، ممکن است ادراک و برداشت مردم از عدالت تناسبی با واقعیت نداشته باشد. پرسش این است که در فرهنگ که محل بروز انتخاب‌های شخصی مبتنی بر تمایلات انسانی است و از طرفی توزیع فرهنگ نیز فقط توزیع مادی نیست، به ادراک مردم از عدالت چه مقدار باید بهاء داد؟

به نظر می‌رسد اگر بناست کسی احساس عدالت را به دست آورد، باید برداشتی از جهان اجتماعی و تلقی از آنچه عادلانه یا ناعادلانه است، در او شکل گیرد. فرد براساس دیدگاهی که درباره خود و وضعیت خویش دارد، نهادهای عمومی را تفسیر می‌کند (Rawls, 1999, p.465)؛ غیر از اینکه اگر احیاناً فرد به هر دلیلی مثلاً غلبه غرایز نفسانی عامدانه یا غیرعامدانه به سمت عدالت حرکت نکند، حتی اگر همه مناسبات جامعه عادلانه باشد، او یا نخواهد فهمید، یا علاقه‌ای به فهمیدن آن و موافقت با آن ندارد. «در این صورت، هیچ طرح عادلانه‌ای در جامعه پایا نخواهد بود» (Ibid, p.437)؛ چه رسد به ادراک عدالت. رالز^۲ حتی از این نیز جلوتر می‌رود و حق برخورداری از عدالت را دقیقاً از آن اشخاص اخلاقی یعنی کسانی که به عدالت علاقه‌مند هستند، می‌داند (Ibid, p.442). البته بحث رالز، هم می‌تواند در ادراک عدالت تطبیق کند، هم حس عدالت؛ یعنی علاقه به عدالت و بسط آن.

1. Social Perception

2. Rawls



ادراک که در روان‌شناسی امروز به معنای فرایند ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان‌دهی اطلاعات حسی و نهایتاً معنابخشی به آن‌ها را به گونه‌ای فعال به‌عهده دارد (فعالی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰)، می‌تواند مضاف به هر متعلقی شود. البته باید این را در نظر داشت که پدیده ادراک فرایندی ذهنی است که طی آن تجارت حسی معنادار می‌شود و از این طریق، انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد (همان). شناخت کمی تفاوت دارد: شناخت اشاره به آخرین مرحله رشد ذهنی دارد که توانمندی فرد را در حل، تعبیر، تغییر، تجزیه، تحلیل، نقد و ارزشیابی امور سبب می‌شود. بنابراین، انسان یا حیوان به کمک گیرنده‌های حسی خود، از وجود واقعیات دنیای خارج یا داخل مطلع می‌شود و این احساس پس از تفسیر و تعبیر، به ادراک می‌انجامد و تکامل این ادراک به شناخت برخی پدیده‌های عالم هستی ختم می‌شود (همان). به نظر می‌رسد بهترین نوع موفقیت در ثابت کردن ادراک‌های صحیح، تبدیل آن‌ها به شناخت است.

۶. چرا ادراک عدالت مهم است؟

ادراکات همه دنیای پیرامون ما را فراگرفته‌اند. به قول هیوم^۱، «ما در حصر ادراکات هستیم. اساساً نمی‌توانیم تصور کنیم که شیء یا اشیایی خارج از ادراکات ما وجود دارند» (کاپلستون، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۱۰). پیشتر توضیح داده شد که ادراک عدالت با عدالت واقعی چه ارتباطی دارد، اما مگر ادراک عدالت چه آثاری دارد که باید نگران آن بود؟ یا برای موضوعی چون ادراک عدالت اجتماعی، وقت صرف شود؟

۶-۱. وفاق اجتماعی

ادراک عدالت می‌تواند وفاق اجتماعی^۲ را به‌همراه آورد. وفاق اجتماعی از منظر گیدنز^۳، توافق در باب ارزش‌های اجتماعی بنیادی توسط اعضای جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۷۸۵). عدالت اجتماعی به عنوان یکی از فضایل مهم اجتماعی یا مهم‌ترین فضیلت اجتماعی، خود از ارزش‌های اجتماعی است که می‌تواند مورد موافقت اجتماعی قرار گیرد. عدم توافق بر موضوع عدالت اجتماعی، خود بستر ستیز اجتماعی^۴ خواهد بود. اگر آحاد مردم اشتراکات کمی در درک از عدالت داشته باشند، تعارضات اجتماعی حاصل از این تفاوت‌ها در کنشگری عدالت‌خواهانه یا سکوت ناامیدانه از وضعیت تبلور می‌یابد. اساساً مردم جامعه‌ای که درک متضادی از عدالت دارند، در امور دیگر اجتماعی، وفاق اجتماعی لازم را نخواهند داشت. عدالت اجتماعی زمینه وفاق اجتماعی را بیش‌ازپیش فراهم می‌کند. اساساً طرز

1. David Hume
2. Social consensus
3. Anthony Giddens
4. Social conflict



تلقی مردم از عدالت و توافق بر سر آن، خود نشان‌دهنده وفاق اجتماعی است (بشیریه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۸).

۶-۲. مشارکت سیاسی

نگاه مردم به عدالت اجتماعی، چه از حیث ماهیت و چه از حیث وضعیت کنونی آن، می‌تواند نقطه عزیمتی برای کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی^۱ آن‌ها باشد. مشارکت سیاسی سطوح و مراحل متعددی از مقام سیاسی داشتن تا رأی دادن به عنوان شهروند را شامل می‌شود (راش، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶). نظام سیاسی اساساً برای توزیع قدرت آمده است و باید عدالت‌خواهی سیستم، حاکمیت و دولت^۲ برای مردم محرز شود. بنابراین، افراد برای حمایت از نظام سیاسی مبتنی بر ادراک مثبتی که از عملکرد عدالت‌طلبانه نظام سیاسی دارند، مشارکت سیاسی خواهند داشت (راغفر و فدوی اردکانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹).

۶-۳. نظم اجتماعی

نظم اجتماعی^۳ از مفاهیم بنیانی جامعه‌شناسی است؛ و اصولاً جامعه بدون نظم اجتماعی، تصورناپذیر است (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۲). علامه طباطبایی جامعه را از ضروریات زندگی انسان می‌داند و نظم اجتماعی را نیز شرط رسیدن انسان اجتماعی به سعادت می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۲۸۷). عدالت اجتماعی یکی از عوامل مهمی است که منجر به نظم اجتماعی می‌شود، و به تبع، ادراک عدالت نیز در شکل‌دهی به نظم اجتماعی و ارتقاء یا تضعیف آن نقش دارد. کنش‌های مردم مبتنی بر برداشتی که از وضعیت عدالت دارند، می‌تواند نظم اجتماعی را با چالش مواجه کند.

گفتنی است توجه یا بی‌توجهی به ادراک عدالت اجتماعی می‌تواند آثار متعدد دیگری چون سلب اعتماد عمومی و بی‌توجهی اجتماعی نیز داشته باشد، که در اینجا فقط به بعضی از آن‌ها اشاره شد. در نگاه اسلامی نیز می‌توان اهمیت ادراک یعنی دریافت و ذهنیت مخاطب و مردم را از عدالت دریافت. این اهمیت در عدالت قضایی، جایی که رفتار قاضی باید عادلانه باشد، بیشتر مشاهده می‌شود. شیخ طوسی در کتاب «المبسوط فی فقه الامامیه»، ذیل دلالت روایتی از رسول اکرم (ص) اشاره می‌کند که قاضی حتی حق ندارد با یکی از طرف دعوی بلندتر صحبت کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۴۹). واضح است که بلند شدن صدای قاضی به حکم عادلانه وی لطمه‌ای نمی‌زند، بلکه احساس بی‌عدالتی را در فردی که با صدای بلند با او صحبت شده است، ایجاد می‌کند. شاید شارع برای جلوگیری از این احساس و ادراک، به قاضی چنین حقی را نمی‌دهد.

1. Political Paricipation

2. State

3. Social order



در توصیه حضرت علی (ع) به شریح قاضی آمده است: «وَاسِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِكَ وَمَنْطِقِكَ وَ مَجْلِسِكَ حَتَّى لَا يَطْمَعَ قَرِيبُكَ فِي حَيْفِكَ وَلَا يِيَّاسَ عَدُوُّكَ فِي عَدْلِكَ» (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۲۱۲)؛ میان مسلمانان در نگاه کردن و سخن گفتن و نشستنت برابری را رعایت کن، تا نزدیکیات به جانبداری [و ستم] تو امید نبندند و دشمنانت از دادگری تو نومید نشوند». پرسش این است که مگر نگاه کردن، سخن گفتن یا نوع نشستن در عدالت واقعی تأثیر دارد؟ قاضی می‌تواند با شاکی بخندد و در سمت او بنشیند، اما عادلانه در دعوا حکم کند. آن چیزی که احتمالاً می‌توان برداشت کرد، اهمیت ادراک عدالت است. رفتار قاضی می‌تواند شاکی یا مشتکی عنه را به وجود عدالت واقعی بدبین کند، یا حداقل اتّصاف قاضی به صفت عادل را نزد وی مخدوش سازد.

فردی چند روز مهمان امیر مؤمنان (ع) بود و پس از آن، دعوی را که پیش از آن به حضرت نگفته بود، نزد حضرت مطرح کرد. حضرت علی (ع) به دعوی او رسیدگی نکردند و دلیل را نیز نهی رسول خدا (ص) از مهمان کردن طرف دعوا بیان فرمودند.^۱ این داستان نیز دال بر ادعای مذکور است. این بحث در غیر از عدالت کیفری نیز دیده می‌شود. زمانی که امام علی (ع) محمد بن ابوبکر را به حکومت مصر منصوب کردند، برای او اینگونه نوشتند: «فَأَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يِيَّاسَ الصَّعْمَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۲۷)؛ با مردم فروتن و نرم خو و گشاده‌رو باش، همه را به یک چشم و نظر ببین، تا بزرگان بر تو طمع حیف و میل نبندند و ضعیفان از عدالت تو مأیوس نشوند». والی و حاکم نیز باید به ادراکات مردم اعم از ترس‌ها، امیدها، ناامیدی‌ها و... اهمیت دهد و بداند که قدرت این ادراکات به حدی است که می‌تواند مسیر جامعه را تغییر دهد. حضرت، کارگزار خود را از ناامید کردن و القای ادراک ناصوابِ ظلم برحذر می‌دارند.

در سیره رسول اکرم (ص) نیز، اهمیت ادراک و افکار مردم دیده می‌شود؛ به طور مثال، هنگام بازگشت پیامبر اسلام (ص) از غزوه تبوک، افرادی از منافقان که از صحابه نیز قلمداد می‌شدند، قرار گذاشتند در کوه عقبه کمین کنند و مرکب پیامبر اکرم (ص) را زرم دهند و از این طریق، آن حضرت را به قتل رسانند؛ اما رسول خدا (ص) از طریق وحی، از توطئه آن‌ها آگاه شدند و به همراه حذیفه و عمار از عقبه بالا رفتند، اما دیگران را از همراهی‌شان منع کردند. حضرت اسامی آن افراد را برای حذیفه فاش کردند، ولی او را از افشای آن منع فرمودند و واکنشی نیز در مقابل آن افراد انجام ندادند. اما آنچه بر مراعات افکار عمومی از جانب پیامبر اکرم (ص) دلالت دارد، پاسخی است که حضرت به پرسش حذیفه دادند. حذیفه از آن حضرت پرسید: آیا وقتی مردم نزد شما آمدند، دستور نمی‌دهید گردن آن توطئه‌گران را بزنند؟ رسول خدا (ص) در پاسخ فرمودند: «دوست ندارم مردم بگویند محمد با حمایت کسانی به قدرت رسید و آنگاه

۱. «أخضم أنت؟ قال: نعم، قال: تحوّل عَنَّا أَنْ رَسُولَ اللَّهِ نَهَى أَنْ يَصَافِ الْخَصْمَ إِلَّا وَمَعَهُ خَصْمُهُ» (همان، ج ۱۷، ابواب آداب قاضی، باب ۳، ص ۱۵۷، ح ۲).



ایشان را به قتل رسانید» (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۱۴۰-۱۴۱).

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در نامه خود به مالک اشتر، ادراک مردم از حکومت و عملکرد آن را مهم می‌شمارند و به ایشان می‌فرماید: «ثُمَّ اعْلَمُ يَا مَالِكُ أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دَوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَجَوْرِ وَأَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَيَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ وَإِنَّمَا يَسْتَدِلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ؛ اى مالک، تو را به سرزمینی فرستاده‌ام که پیش از تو حکومت‌هایی در آنجا جریان داشته‌اند، که برخی عادلانه و برخی ظالمانه با مردم رفتار کرده‌اند؛ و بی‌تردید مردم در همه امور و شئون حکومت تو نظاره خواهند کرد؛ همان‌گونه که تو در شئون حکومت‌های گذشته نظاره می‌کردی. درباره تو همان را خواهند گفت که تو خود درباره آنان می‌گفتی. نیکوکاران را به نام نیکی می‌توان شناخت که خداوند بر زبان‌های بندگانش جاری ساخته است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این کلام حضرت نشان می‌دهد که گاهی حتی ممکن است حکومتی عادلانه رفتار کند، اما مردم چنین ادراکی نداشته باشند. بنابراین، به مالک گوشزد می‌کنند که باید به ادراک و افکار مردم دقت داشت. حتی ایشان رضایت مردم را که می‌تواند حاصل ادراکات ذهنی آنان ولو به غلط باشد، مهم می‌شمرند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ؛ باید که محبوب‌ترین کارها در نزد تو کارهایی باشد که با میانه‌روی سازگارتر و با عدالت‌دم‌سازتر باشد و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد» (همان).

۷. عوامل معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی

پس از بحث‌های مقدماتی درباره ادراک عدالت اجتماعی، عوامل مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی بررسی خواهند شد. این عوامل را می‌توان به صورت‌های متعددی مانند عوامل داخلی یا خارجی، عوامل فردی یا اجتماعی و عوامل محیطی یا غیر محیطی بررسی کرد؛ اما پیشنهاد اولیه، دوگانه عوامل معرفتی و غیر معرفتی است. علل و عوامل معرفتی همان استدلال‌ها و شناخت‌های مبتنی بر منطق، تعریف‌های مستدل و... است؛ اما عوامل غیر معرفتی به اموری غیر از استدلال اشاره دارد که می‌تواند فرد را فارغ از درستی، به سمت رد یا پذیرش نظر و معرفت سوق دهد (منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۱، ص ۶). عوامل معرفتی در بحث ادراک عدالت اجتماعی، به بخشی از عوامل مؤثر بر ادراک می‌پردازد که حاوی تعریف، استدلال، منطق و فهم هستند و به مسائل محیطی، شخصی و... توجه چندانی ندارد. اینکه اساساً عدالت چگونه تعریف می‌شود؟ یا وضعیت نگاه به عدالت واقعی چگونه است؟ و از چه ایدئولوژی‌هایی تبعیت می‌کند؟، به ادراک از عدالت اجتماعی شکل می‌دهد.

۷-۱. فهم افراد از تعاریف عدالت (نظریه‌های عدالت)

نخستین و مهم‌ترین نکته در بحث ادراک عدالت، تعریف عدالت است. به عبارت دیگر، فهم فرد از



عدالت اجتماعی و تعریف وی، همان پیش فرض اولیه‌ای است که ادراک نیز پس از آن و سوار بر آن شکل خواهد گرفت. در عرف نیز وقتی می‌خواهند درباره مسئله‌ای بحث کنند، ابتدا می‌پرسند: «تعریف شما چیست؟»، این پرسش دقیقاً برای این است که بدانند در ادامه باید مبتنی بر کدام تعریف، بحث را ادامه دهند. اگر تعریف و فهم اولیه از موضوعی وجود نداشته باشد، همه شاخ و برگ‌های موضوع‌های متفرقه تحت الشعاع قرار می‌گیرد. همان‌گونه که بیان شد، رابطه عدالت و ادراک آن رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی نگاه فرد به عدالت و تعریف او از عدالت نقش مهمی در ادراک وضعیت عدالت در ذهن وی دارد و برعکس، ادراک شخص از عدالت موجب بازتعریف‌های عدالت نزد او خواهد شد. پس، تعاریف و نظریه‌های عدالت باید تبیین شود؛ زیرا هر یک می‌تواند درکی جداگانه در ذهن ایجاد کند.

میرسندهی (۱۳۸۹)، در پژوهشی نشان داد که درک مردم مشهد از عدالت، براساس یافته‌های پیمایشی، درکی دوگانه و به بیان بهتر، درکی ترکیبی مبتنی بر تأکید بر هر دو اصل مطرح در نظریه‌های موجود عدالت است. تحقیق مذکور در سطح شهر مشهد و بین سرپرستان خانوارها انجام شده بود. این تحقیق به دنبال کشف دیدگاه مردم مشهد درباره عدالت اقتصادی و چگونگی توزیع منابع اقتصادی بود. پس، گویه‌های برآمده از قاعده‌های توزیع مانند نیاز، برابری و شایستگی را پیش روی مردم می‌گذاشت و نظر آنان را جویا می‌شد. نتایج حاصل نشان داد که ۹۵ درصد مردم موافق توزیع مبتنی بر نیازهای اساسی هستند. ۸۸ درصد نیز به گویه «اینکه یک فرد متخصص به لحاظ مهارت فنی، میزان بیشتری حقوق دریافت کند، منصفانه است»، نظر مثبت داده‌اند، که نشان‌دهنده موافقت با توزیع مبتنی بر شایستگی‌ها است. نگرش مردم مشهد در این نمونه، به معنای درکی یک‌سویه و بر پایه توجه صرف به یکی از دو جنبه نیاز یا استحقاق نیست، بلکه عدالت اینگونه فهمیده می‌شود که در عین توجه به برآورده شدن نیازهای مردم، نایستی به استحقاق و شایستگی‌های افراد بی‌توجهی شود».

اکبری اقدم و همکاران (۱۳۹۳)، نیز در تحقیقی پیرامون سنجش ادراک عدالت میان حوزویان و دانشگاهیان شهر قم، نشان دادند که در باب معیارهای عدالت، از میان کل پاسخ‌گویان حوزه، ۴۷ درصد نحوه توزیع امکانات را در صورتی عادلانه و مناسب محسوب می‌کنند که به افراد نیازمند امکانات بیشتری داده شود، در حالی که ۲۳/۳ درصد پاسخ‌گویان دانشجو معتقدند که توزیع بیشتر باید برای نیازمندان باشد. همچنین درباره توزیع امکانات به صورت مساوی و نگرش افراد، مشاهده شد که از حوزه ۲۲ درصد و از دانشگاه ۳۹ درصد با این معیار موافق هستند؛ اما در انتخاب معیار شایستگی، دیدگاه دو گروه بسیار به یکدیگر نزدیک است؛ یعنی از حوزه ۳۱ درصد و از دانشگاه ۳۷/۸ درصد معیار شایستگی را برای توزیع امکانات مناسب می‌دانند.

در طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، نیز نشان داده شد که ۵۱ درصد از مردم قائل به معیار برابری و لزوم توزیع به صورت یکسان بودند؛ ۲۸ درصد نیاز و ۲۰ درصد شایستگی را معیار قرار دادند (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۹۲). در همین زمینه در طرح ملی

ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۱) آمده است که ۱۱ درصد به نیاز، ۲۱ درصد به شایستگی و ۶۷ درصد به برابری رأی داده‌اند (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). طبیعی است که تعریف و دیدگاه مردم از عدالت و چِستی آن، اثر مستقیمی با برداشت‌ها و ادراک‌های آنان از وضعیت عدالت دارد.

۷-۲. رابطه ایدئولوژی و درک از عدالت

ایدئولوژی سیستمی فکری است که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می‌کند، و یک سلسله آرای کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسانی ارائه می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳). ایدئولوژی واژه‌ای فرانسوی به معنای علم ایده‌ها است، اما بعدها معنای مهم‌تری یافته است، و بر مجموعه‌ای از باورها و رفتارها که با یکدیگر ارتباط دارند، دلالت دارد (پلاسناتس، ۱۳۷۳، ص ۲). یکی از محققان مقوله درک عدالت، در پژوهشی پیرامون رابطه ایدئولوژی و درک عدالت، نشان داد که در کشور امریکا، شهروندانی که با ایدئولوژی مسلط قشر بندی همخوانی بیشتری دارند، نابرابری‌ها را عدالت می‌دانند؛ و برعکس، کسانی که ذیل چارچوب کلی مسلط ایدئولوژیک قرار نگرفته‌اند، نابرابری‌ها را نوعی بی‌عدالتی تلقی می‌کنند (میرسندسی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷-۱۳۸).

نوایی لواسانی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی نشان دادند که «جهت‌گیری‌های ارزشی» که از ایدئولوژی نشأت می‌گیرند، همبستگی زیادی با احساس عدالت دارند. این همبستگی نشان می‌دهد که هرچه جهت‌گیری ارزشی افراد به سمت ارزش‌های سنتی و بقاء سوق می‌یابد، با افزایش میزان احساس عدالت در آن‌ها همراه است و کسانی که بیشتر متمایل به ارزش‌های سکولار عقلانی و ابراز وجود هستند، کم‌تر احساس عدالت می‌کنند.

شپلاک^۱ و آلوین^۲ (۱۹۸۶)، این تأثیر را در تحقیقی با عنوان «باورها درباره نابرابری و ادراک عدالت توزیعی» اثبات کرده‌اند. به اعتقاد آنان، اگر باورها در ذهن فرد اثر گذارد و همه مراحل شناخت و درک وی را تحت الشعاع قرار دهد، می‌تواند خطر بالقوه ادراکی را نیز به همراه داشته باشد، و آن خطر ناشی از باور^۳ است. خطر ناشی از باور، زمانی رخ می‌دهد که فرد می‌کوشد نتیجه‌ای بگیرد که با باورهایش تطبیق داشته باشد. این سعی ممکن است عامدانه باشد و فرد باورهایش را در نتیجه‌گیری اعمال کند، یا غیرعامدانه بوده، که خودبه‌خود، استدلالش حاصلی از تأثیر باورهایش باشد. به عنوان مثال، اعتقاد به تناسخ به عنوان باور ایدئولوژیک، می‌تواند درک از نابرابری را تغییر دهد. تناسخ به این معناست که روح انسان پس از مرگ و نابودی جسم، در بدن‌های این‌دنیایی، حیات دوباره می‌یابد. این روند تا آخر ادامه دارد و انسان همیشه

1. Shepelak
2. Alwin
3. Belief bias



جاودانه خواهد بود (پترسون و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰). در این اعتقاد، کسی که مرتکب گناهان ناشی از زبان می‌شود، پس از مرگ در جسم پرنده ظهور می‌کند، یا کسانی که مال حرام خورده‌اند، به کرم تبدیل می‌شوند (ناس، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶). این نگاه در تناسخ فرد را آماده این می‌کند که اگر فقیری را دید، به جای سرزنش ظلم و عامل نابرابری، آن فقیر و عملکرد وی در زندگی قبلی‌اش را سرزنش کند؛ چیزی که در ایدئولوژی اسلامی کاملاً برعکس است. روایات و آیات متعدد و رهیافت‌های عقلی اساساً مسلمان را انسانی حساس به ظلم، عدالت‌خواه و عدالت‌طلب بار می‌آورد. ایدئولوژی اسلامی فلسفه زندگی آگاهانه و منطقی را در نظر دارد، که طرح جامع و منسجم برای رسیدن انسان به کمال و سعادت را ارائه داده است (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۵۵).

علی شریعتی نیز قضاوت‌ها را حاصل ایدئولوژی می‌داند. او در تعریف ایدئولوژی می‌گوید: بیش و آگاهی ویژه‌ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع ملی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی که به آن وابسته است، دارد و آن را توجیه می‌کند و براساس آن مسئولیت‌ها، راه‌حل‌ها، جهت‌یابی‌ها، موضع‌گیری‌ها، آرمان‌های خاص و قضاوت‌های خاصی پیدا می‌نماید و در نتیجه به اخلاق، رفتار و سیستم ارزش‌های ویژه‌ای معتقد می‌شود (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۲۸). ادراک عدالت به عنوان قضاوت ذهنی می‌تواند حاصل ایدئولوژی‌های فرد باشد.

۳-۷. رابطه ادراک عدالت و شناخت افراد از معطی عدالت (معطی عدالت کیست؟)

اینکه چه کسی منشأ و عامل^۱ اصلی وضعیت موجود عدالت است، پرسشی است که پاسخ فرد به آن در ادراک وی اثر می‌گذارد. این پرسش به سؤال دیگری بازمی‌گردد. در جامعه انسانی، همه در جست‌وجوی عدالت هستند. این جست‌وجو عمدتاً از سنخ مطالعه است و در نتیجه این سؤال پیش می‌آید که چه کسی باید عدالت را اعطاء کند و بسط دهد؟ این سؤال معرفتی است و به شناخت انسان از معطی و بسط‌دهنده عدالت بازمی‌گردد. در تعریف عدالت که به معنای اعطای حق آمده است، فعل اعطاء باید از سمت چه کسی یا کسانی صورت گیرد؟ این بحث از آن جهت مهم است که دوگانه وظیفه و تکلیف را روشن می‌سازد و درباره وضعیت دائمی مطالبه عمومی عدالت از سمت مردم روشنگری می‌کند. زمانی که انسان‌ها در جوامع بدون دولت و حکومت زندگی می‌کردند، مطالبه عدالت نهایتاً از سمت فردی برای فردی دیگر وجود داشت؛ اما از زمانی که دولت‌ها متصدی امور مردم شدند، این مطالبه به مطالبه‌ای دائمی، جمعی و از حاکمیت تبدیل شد: «بحث‌های امروز عدالت حول این محور است که وظیفه دولت در تضمین حقوق و دارایی و توزیع آن چیست؟ عدالت به مفهوم امروزی آن از دولت چنین انتظاری را دارد که توزیع عادلانه در جامعه را برعهده داشته باشد» (Fleischacker, 2004, p.4). در مقابل،

1. Agent



افرادی مانند نوزیک^۱ معتقدند، دولت نباید در توزیع منابع وارد شود، چراکه با آزادی‌های فردی و انتخاب‌های شخصی متعارض است، بلکه حکومت فقط باید مراقبت کند که افراد به حقوق دیگران تجاوز نکنند (Swift, 2014, p.60). از طرف دیگر، اگر از دولت انتظار کنترل منابع در اقتصاد و کنترل کالا در فرهنگ و کنترل قدرت در سیاست می‌رود، آیا از مردم به خصوص در اقتصاد و فرهنگ انتظار نمی‌رود که در بسط عدالت سهیم باشند؟ یا به عبارت دیگر، عدالت را برای خود و دیگران ایجاد کنند؟

به نظر می‌رسد اعطای حق و اجرای عدالت نه فقط وظیفه دولت، بلکه وظیفه مردم نیز است. قطعاً دولت پس از ظهور مدل سیاسی دولت-ملت، به جهت رشد روزافزون و قدرتمند شدن و افزایش تقاضای مردم برای خدمات دولت (باربر و اسمیت، ۱۳۸۱، ص ۹۷)، باید در هر عرصه، متولی بسط عدالت باشد، اما این به معنای فقدان تکلیف برای مردم در گسترش عدالت نیست. با توجه به این نکته، ادراک وضعیت عدالت می‌تواند دو صورت داشته باشد: اگر فرد خود را در تکلیف اعطاء و بسط عدالت در جامعه سهیم بداند، دیگر تمام وضعیت ناخشنود عدالت را منتسب به دولت یا حاکمیت نمی‌کند و شاید حتی وضعیت در جامعه را وضعیتی مطلوب تفسیر کند. در صورت دوم، اگر خود را بخشی از بسط‌دهندگان عدالت نداند و این بار را فقط بر دوش دولت^۲ یا هر فاعل دیگر بداند، طبیعتاً هنگام قضاوت، ادراک دیگری از وضعیت عدالت خواهد داشت.

آتن^۳ و کید^۴ (۱۹۷۸)، در مطالعات میدانی خود پیرامون ادراک عدالت نشان دادند که اصولاً ناراحتی و اعتراض کسانی که دیگران را مسئول ناعدالتی‌ها درباره خود می‌دانند، بیشتر از افرادی است که خود را نیز مسئول می‌دانند. این امر باعث می‌شود افراد فعالانه یا منفعلانه عمل کنند. در شرایطی که فرد خود را نیز مسئول بداند، امکان اینکه برای رسیدن و رساندن به وضعیت عادلانه بکوشد، بیشتر خواهد بود (Hegtveldt & Barry, 1999, p.266).

روایتی که می‌فرماید: «کلکم راع، وکلکم مسؤؤل عن رعیتیه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۸)، می‌تواند تأییدکننده این سخن باشد که عدالت فقط دستاورد یک عده یا یک نهاد نیست، بلکه همه در برابر بی‌عدالتی و نابرابری مسئول بوده و باید تلاش کنند. به این مهم در آیه ۲۵ سوره حدید که می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» نیز تصریح شده است. اقامه قسط به مردم نیز با همان عمومیت منتسب شده است، نه اینکه فقط بر عهده پیامبران و سپس حکومت‌ها باشد.

۴-۷. فرضیه دنیای عادل

بخشی از معرفت را دیدگاه انسان‌ها درباره معاد، کفاره، انعکاس اعمال و مجازات عمل تشکیل

1. Robert Nozick
2. State
3. Utne
4. Kidd



می‌دهد. یکی از این فرضیه‌های معرفتی «دنیای عادلانه»^۱ از لرنر^۲ است. دنیای عادلانه دیدگاهی است که می‌گوید دنیا دار مکافات است و هر آنچه افراد می‌بینند، بازتاب عمل آنان و کیفر رفتارشان است (Bennett, 2008, p.35-44). این دنیا به گونه‌ای است که افراد، شایسته چیزهای هستند که به دست می‌آورند و این شایستگی، پیامد اعمال آن‌ها است (Lerner, 1980, p.45). در اینجا دو باور عمومی شکل می‌گیرد: یکی، باور شخص درباره خود که همان عادلانه بودن دنیا برای شخص^۳ است؛ و دیگری، باوری است که درباره دیگران در ذهن فرد نقش می‌بندد و آن همان عادلانه بودن دنیا برای دیگران^۴ است (Todd & et al., 2013, p.30). با توجه به این باور معرفتی، نابرابری‌ها در یک جامعه، نه به عنوان عملکرد ساختار، بلکه حاصل شایستگی فردی تلقی می‌شود. ادراک وضعیت عدالت پس از باور به دنیای عادلانه، ادراک رابطه عمل و کیفر شخصی خواهد بود، نه فرایندهای سازمانی و عدالت اجتماعی. به عنوان مثال، با این باور، زمانی که فقیر یا بیکاری مشاهده شود، در نخستین تفسیر و ادراک وضعیت وی، احتمالاً گفته خواهد شد که این وضعیت حاصل تنبلی یا ظلم به دیگران، یا گناهان و خطاهایی از این دست است و ذهن به ندرت به این سمت می‌رود که این بیکاری و فقر را به علل و عوامل دیگر ربط دهد. به طور کل، افراد معتقد به باور دنیای عادلانه، عموماً دلیل قربانی شدن، فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی فردی و گروهی را اسناددهی درونی می‌کنند و از اسناددهی به عوامل موقعیتی و ساختاری گریزان هستند.

در بینش اسلامی نیز می‌توان مؤیداتی برای این دیدگاه یافت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ؛ هر مصیبت و بلائی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید» (شوری، ۳۰). این آیه مجازات دنیوی یا کیفر اعمال در دنیا را اثبات می‌کند. محرومیت‌های انسان به طور کل که نابرابری اجتماعی تلقی می‌شود، می‌تواند ذیل این آیه، حاصل اعمال خود انسان باشد. در حدیث امام صادق (ع) نیز به صراحت به این نکته اشاره شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فِي مُنَاجَاةِ لِمُوسَى (ع): إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ عَاقَبْتُ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ حَطِيئَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۲۰)؛ خداوند در ضمن مناجات، به حضرت موسی (ع) فرمود: ای موسی، دنیا دار مکافات [و سرای عقوبت] است که من در آن، آدم را به دلیل ترک اولی (خوردن گندم) به کیفر رساندم». با توجه به مطالب پیش گفته، پژوهش حاضر بحث کلامی نیست که وضعیت نابرابری در جامعه را حاصل عملکرد فرد یا عوامل دیگر بدانند، بلکه صرفاً بنابر آن است که پذیرش فرضیه دنیای عادل، عامل معرفتی مؤثری در ادراک عدالت اجتماعی است.

1. Belief in a just world (BJW)
2. Lerner
3. Belief in a just world for self
4. Belief in a just world for others



۷-۵. عدالت واقعی و عدالت آرمانی

عامل معرفتی دیگر، نگرش اندیشه انسان به تفاوت دو مقوله عدالت واقعی^۱ و عدالت آرمانی^۲ است. عدالت آرمانی اشاره به وضعیت ایدئال و مطلوب عدالت در جامعه دارد، اما عدالت واقعی به وضعیت موجود عدالت می‌پردازد. تاریخ نشان داده که همیشه میان این دو فاصله بوده است و مردم و حکومت‌های عادل همیشه به دنبال رسیدن به وضعیت عدالت آرمانی بوده‌اند، اما هیچ‌گاه محقق نشده است. ممکن است برخی با تفکیک نکردن میان این دو، همیشه این انتظار را داشته باشند که عدالت در بهترین وضعیت خود برقرار باشد. این افراد به محض اینکه یک یا چند نابرابری و ظلم مشاهده می‌کنند، مأیوس، یا از وضعیت به شدت ناراضی می‌شوند. هنگامی که ذهنیت فرد برای یک وضعیت ایدئال آماده شده باشد، با دیدن نابرابری، به سرعت دچار دوگانگی ذهنی و ادراک نامطلوب از وضعیت می‌شود.

در نگاه دینی به مقوله مهدویت، زمان مشاهده وضعیت مطلوب و ایدئال عدالت، همان عصر دولت مهدوی است. این وضعیت کامل به حدی خواهد بود که امام صادق (ع) می‌فرماید: «اما والله لیدخلن [القائم] علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر؛ به خدا قسم که عدالت خود را در درون خانه‌های مردم وارد می‌کند، همانگونه که سرما و گرما داخل می‌شوند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۹۷). در روایتی دیگر از امام رضا (ع) آمده است: «فاذا خرج وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم احد احدا؛ آنگاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد. پس، هیچ‌کس به دیگری ظلم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۱). همانگونه که مشاهده می‌شود، این کلیت و شمول مانند ورود عدل به خانه‌ها و ظلم نکردن هیچ‌کس به دیگری، فقط مختص همان زمان است. البته واضح است که این، به معنای تلاش نکردن برای رسیدن به عدالت آرمانی نیست. همه باید به دنبال بسط عدالت به معنای واقعی و در گستره تام آن باشند؛ حتی اگر به زودی محقق نشود. نکته اصلی در این است که هنگام قضاوت درباره وضعیت عدالت و برابری در جامعه، نباید با معیار عدالت آرمانی پیش رفت، بلکه باید به مواردی مانند ظرفیت‌ها و موانع نیز توجه کرد.

۸. نتیجه‌گیری

ادراک عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ادراکات و برداشت‌های مهم مردم، می‌تواند وفاق اجتماعی، مشارکت سیاسی و نظم اجتماعی را با چالش روبه‌رو کند. البته اگر به درستی شکل بگیرد و هدایت شود، به حرکت جامعه به سمت وفاق، نظم و مشارکت بیشتر کمک خواهد کرد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده، ظاهراً و حداقل فعلاً مردم ادراک خوبی از وضعیت عدالت در جامعه ندارند و کلیت جامعه را جامعه‌ای عادلانه درک نکرده‌اند. بنابراین، باید عواملی که به این ادراک دامن می‌زنند، بررسی شوند، تا اگر

1. Real justice
2. Ideal justice



امکان مداخله مثبت و هدایت کارگشا در این عوامل و نتایج آن‌ها وجود دارد، این اتفاق بیفتد. ادراک عدالت ادراکی اجتماعی حاصل از تعامل محیطی با محیط اجتماعی است که از ادراک عدالت به مثابه عدالت اجتماعی حکایت می‌کند، نه از ادراک فردی. این ادراک می‌تواند ماهیتی چندگانه (تلفیقی یا جداگانه) از احساس، هیجان و انگاره داشته باشد.

فارغ از بحث ماهیت ادراک عدالت، عوامل مؤثر بر ادراک عدالت به دو گروه اصلی عوامل و زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی تقسیم می‌شود. در بحث زمینه‌های معرفتی، مهم‌ترین بخش از زمینه شکل‌گیری ادراک عدالت، تعریف و فهم شخص از تعریف و چیستی عدالت و احتمالاً معیارهای آن است. از آن جهت که عدالت مقوله فطری است و همه مردم از آن یک فهم ارتکازی دارند، فهم آن به یک مقوله سهل و ممتنع تبدیل شده است. بنابراین، مبتنی بر هر یک از نظریه‌ها و تعاریف عدالت اجتماعی، ادراک آن نیز متفاوت خواهد بود؛ اگر عدالت تأمین آزادی‌های فردی تلقی شود، به محض از بین رفتن آن آزادی‌ها، وضعیت عدالت نامطلوب سنجیده خواهد شد؛ اما اگر عدالت تأمین خیر جمعی در نظر گرفته شود، در صورتی که کلیت جامعه حرکت مطلوبی در عدالت داشته باشد، درک از وضعیت عدالت، مطلوب‌تر است؛ یا برخی که عدالت را فقط وظیفه حاکمیت می‌دانند، هیچ‌گاه دلیل وضعیت موجود را مردم و افراد نمی‌دانند.

یکی دیگر از عوامل معرفتی که در ادراک عدالت مؤثر است، ایدئولوژی است؛ همه مسائل ارزشی و اعتقادی و حتی حاکمیتی که در همه تصمیم‌گیری‌ها و تأملات و اندیشه‌های افراد نقش ایفا می‌کند. عامل معرفتی دیگر، نگاه افراد به معطی، یا مبسط و عامل عدالت است. ادراک‌کننده در این نگاه، اگر عامل بسط را فقط دولت یا حاکمیت بدانند، طبیعتاً ادراک او متوقف بر عملکرد آن‌ها است، اما اگر نقش مردم در بسط عدالت را مهم بدانند، ادراک عدالت را از مسیر نقش مردم شکل می‌دهد. اعتقاد معرفتی به مکافات عمل و دنیای عادل، به عنوان زمینه معرفتی دیگر، سبب می‌شود ادراک‌کننده وضعیت عدالت، نابرابری را فقط در تفسیر بازخورد اعمال فردی تحلیل کند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آذربایجان و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۶). درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی. *حقوق اسلامی*، ۱۴(۵۴)، ص ۱۳۶-۱۵۸.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. شمیم کوثر، ج ۱. اتکینسون، ریتا و همکاران (۱۳۹۱). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران. تهران: رشد. اکبری اقدم، صادق و همکاران (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و محیط آموزشی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۴(۱)، ص ۶۹-۹۴.

باربر، جیمز؛ اسمیت، مایکل (۱۳۸۱). ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها. ترجمه حسین سیف‌زاده. تهران: نشر قومس.

باقری‌فر، علی (۱۳۹۴). اهمیت و عوامل اثرگذار بر فرایندهای ادراکی در سازمان‌ها. در: اولین همایش علمی- پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه.

بشیری، حسین (۱۳۸۳). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه‌کاری)*. نشر نی، ج ۲. پترسون، مایکل و همکاران (۱۳۷۷). *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی. تهران: نشر طرح نو. پلاسناستس، جان (۱۳۷۳). *ایدئولوژی*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. پورعزت و سلیمی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر رابطه ادراک بی‌عدالتی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۴(۷)، ص ۱۳۱-۱۵۹.

تقی‌زاده و سلطانی (۱۳۹۶). بررسی نقش احساس عدالت سازمانی در گرایش افراد به فساد در سازمان. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۵(۳)، ص ۵۲۹-۵۵۰.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). *فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی*. قم: نشر معارف.

چلبی، مسعود (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

حزّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *وسایل الشیعه*. نشر اسلامی، ج ۲۷، ۱۷.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). *بیانیه گام دوم انقلاب*.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۴/۲۵). *بیانات در جمع فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/2844>

دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم*.

راسل، برتراند (۱۴۰۱). *اخلاق و رسالت در جامعه*. ترجمه محمود حیدریان

راش، مایکل (۱۳۹۳). *جامعه و سیاست*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.

راغفر، حسین؛ و فدوی اردکانی، مرجان (۱۳۹۳). چهارچوبی تحلیلی در نظریه توسعه: فرهنگ، قدرت و نابرابری.

بررسی مسائل اقتصادی ایران، ۱(۲)، ص ۹۱-۱۱۵.



- رضاپور، اکبر (۱۳۷۵). درک عدالت در میان جوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جامعه مدرسین، ج ۱۴، ۱۶.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ناصر خسرو، ج ۱۱.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تحقیق و تصحیح: سید محمدتقی کشفی. جامعه مدرسین، ج ۸.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۶). *ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا*. نشر دفتر تبلیغات.
- قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۹). تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان. *علوم اجتماعی*، ۱۷(۵۱)، ص ۱۰۷-۱۳۷.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۹۳). *تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی، از هابز تا هیوم)*. سروش، ج ۵.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاد*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. اسلامیه، ج ۵۲، ۷۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۱). *ایدئولوژی تطبیقی*. در راه حق، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *مجموعه آثار*. بی‌نا، ج ۱۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *عدل الهی*. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). *انسان و ایمان*. تهران: صدرا.
- مک‌ناوتن، دیوید (۱۳۸۰). *بصیرت اخلاقی*. ترجمه محمود فتحعلی. موسسه امام خمینی.
- منصوری، عباسعلی؛ محمدزاده، رضا (۱۳۹۱). نقش عوامل معنوی در معرفت با تکیه بر قوه وهم از نگاه ملاصدرا. *پژوهشنامه فلسفه دین*، ۱۰(۱)، ص ۵-۲۲.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۸۹). تحلیل درک مردم از عدالت در مشهد. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۴(۱۲)، ص ۸۴-۹۶.
- ناس، جان بایر (۱۳۸۴). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. علمی فرهنگی.
- نعمانی، ابن ابی‌زینب (۱۳۹۷ق). *الغیبه*. نشر صدوق.
- نوایی لواسانی، محمد و همکاران (۱۳۹۲). احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۴۹)، ص ۱۵۹-۱۸۶.
- واعظی، احمد (۱۳۹۳). *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*. انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- یعقوبی، داریوش (۱۳۸۸). *درک ایرانیان از عدالت*. جامعه‌شناسان.

Bennett, K. (2008). Just World Jurors. *The Jury Expert*, 20(4), p. 35-44.

Fleischacker, S. (2004). *A Short History of Distributive Justice*. Harvard University Press.

Hegtvedt, K.A. & Barry, M. (1999). *Justice and injustice*. In: Cook et al., *Sociological Perspective on Social Psychology*, p. 257-280.

- Kidd, R.F. & Utne, M.K. (1978). Reactions to Inequity: A Prospective on the Role of Attributions. *Law and Human Behavior*, 2(4), p. 301–312.
<https://doi.org/10.1007/BF01038983>
- Knights, D. & Wilmot, H. (2007). *Introducing Organizational Behavior and Management*. City, Thomson.
- Lerner, M.J. (1980). *The Belief in a Just World: A Fundamental Delusion*. New York: Plenum.
- Multilevel Associations with Life Satisfaction and Self-Rated Health. *Journal of Happiness Studies*, 14(4).
- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice*. Belknap Press, Massachusetts.
- Schermerhorn, J.J. & et al. (2000). *Organizational Behavior*. Seventh Edition. John Wiley & Sons, Inc.
- Shepelak, N.J. & Alwin, D. (1986). Beliefs about Inequality and Perceptions of Distributive Justice. *American Sociological Association*, 51(1), p. 30-46.
- Smith, M. (2000). *Moral Realism*. In: The Blackwell Guide to Ethical Theory, H. LaFollette (ed.), Blackwell, Oxford, p.15-37.
- Swift, A. (2014). *Political philosophy*. Polity Press.
- Todd, L. & et al. (2013). Procedural and Distributive Justice Beliefs for Self and Others: Multilevel Associations with Life Satisfaction and Self-Rated Health. *Journal of Happiness Studies*, 14(4).